



#### فصل اول؛ کلیات سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی

در طول سالیان اخیر و پس از اثبات ناکارآمدی سیاست اقتصاد مبتنی بر تصدی‌گری دولتی، عموم کشورهای جهان حرکتی تدریجی را در جهت خصوصی‌سازی و واگذاری امور اجرایی حوزه دولت به بخش‌های غیردولتی آغاز نموده‌اند، و در این میان حتی کشوری مانند چین که روزگاری مهم‌ترین طرفدار اقتصاد دولتی بود نیز به این جرگه پیوسته است.

ابلاغ مقام معظم رهبری در ارتباط با مفاد اصل ۴۴ قانون اساسی، سرآغاز تحول مهمی بود که نشان می‌دهد کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. این ابلاغیه از یک طرف مفهوم و اندازه دولت را تعریف و تنظیم و از سوی دیگر بستر رشد بخش خصوصی را فراهم خواهد کرده و باعث ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری در کشور به عنوان مهم‌ترین مولفه سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی خواهد بود.

در واقع ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی حصول بزرگ‌ترین تجربه خصوصی‌سازی در تاریخ ایران را دست‌یافتنی نموده است. اجرای مدبرانه این سیاست‌ها به‌ویژه در حوزه صنعت، به ارتقای بهره‌وری منابع مادی و انسانی، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی کشور و کاستن

# بررسی تطبیقی سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ و مناطق آزاد تجاری صنعتی

## قسمت اول

محمدتقی رفیعی

← امروزه مناطق آزاد ایران مستعدترین مناطق آزاد منطقه و به نوعی دنیا برای پذیرش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شوند که سایه دولت و سیاست‌های انقباضی و مبتنی بر احتیاط بیش از حد و فارغ از اعتماد به مناطق به عنوان مهم‌ترین ابزار تعامل اقتصاد ملی با دنیای بیرون، مانع از تحقق جایگاه واقعی ایشان گشته و فرآیندهای خصوصی‌سازی مبتنی بر اصل ۴۴ بهترین فرصت برای برون‌رفت از این چالش ارزیابی می‌گردد.

خبر مناطق

## اختیار صدور احکام مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد به مهندس بقایی تفویض شد



دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری، طی حکمی اختیار صدور احکام رؤسای هیئت مدیره و مدیران عامل سازمان‌های مناطق آزاد کشور را به مهندس بقایی، سرپرست مرکز

امور مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی تفویض کرد.

به گزارش روابط عمومی مرکز امور مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در این حکم آمده است:

«به استناد ماده ۶ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و ماده ۱۸ اساسنامه سازمان‌های مذکور، اختیار صدور حکم رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل سازمان‌های مناطق آزاد به جنابعالی تفویض می‌گردد. توفیقات روزافزون شما را از درگاه ایزد منان مسئلت می‌نمایم.»

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل کلیه اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها، انجمن‌ها، نهادهای غیردولتی و ... است که به صورت دولتی و خصوصی اداره می‌گردد.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق بوده و از محدوده قوانین اسلام خارج نشده و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردیده و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون

حفظ منافع مصرف‌کننده

افزایش تنوع محصول و در نتیجه افزایش قدرت انتخاب مصرف‌کننده.

### ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی

«برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در راه رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود.

۱) تأمین نیازهای اساسی نظیر مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و فرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، به شکل تعاونی و از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاصی منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳) تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴) رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری (۵) منع اضرار به غیر و انحصار، احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام

۶) منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات (۷) استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور

۸) جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور

۹) تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین و کشور را به مرحله خودکفایی رسانده و از وابستگی برهاند.»

### ۵) بخش‌های مختلف نظام اقتصادی در

### جمهوری اسلامی ایران از منظر اصل ۴۴

«اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی ایران را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی منفک و حدود هر بخش را مشخص می‌کند.

از بار ملی و مدیریتی دولت در مالکیت فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در کشور منجر خواهد شد.

### ۱) تعریف خصوصی‌سازی

بر اساس تعاریف اقتصادی، خصوصی‌سازی فرآیندی است که طی آن دولت در هر سطحی، امکان انتقال وظایف و امکانات را بر اساس واگذاری مالکیت موضوع، به بخش خصوصی بررسی نموده و در صورت اقتضا، نسبت به انجام چنین انتقالی اقدام می‌نماید. در واقع، خصوصی‌سازی وسیله‌ای برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است. با این حال معمولاً هدف اصلی اجرای سیاست خصوصی‌سازی، واگذاری مالکیت فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی و ایجاد ساختاری رقابتی برای فعالیت‌های مورد نظر با امکان بهره‌گیری از مکانیزم‌های انگیزشی و کنترل بخش خصوصی در اقتصاد است که با تحقق دو مقوله مهم «ارتقای کارایی» و «بهبود تخصیص منابع» قابل دست‌یابی خواهد بود.

### ۲) اهداف خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی با اهداف متفاوتی در کشورهای مختلف پیگیری می‌شود، ولی در نهایت سیاست خصوصی‌سازی ناظر بر اهداف زیر می‌باشد:

- افزایش کارآمدی اقتصاد ملی
- افزایش درآمد دولت با فروش دارایی‌های دولتی
- افزایش درآمدهای مالیاتی ناشی از بهبود کارایی اقتصاد عمومی کشور
- توسعه نهادهای بازار به‌ویژه توسعه بازار سرمایه
- تأمین منابع مالی لازم برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های جدید
- تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری‌های جدید
- ایجاد فعالیت‌های جدید به منظور افزایش میزان اشتغال در سطح کشور.

### ۳) سیاست‌های اقتصادی بنگاه‌ها در خصوصی‌سازی

اهداف خصوصی‌سازی منحصر به سیاست‌های کلان اقتصادی نبوده و طیف وسیعی از سیاست‌های اقتصادی بنگاه‌ها را به شرح زیر شامل می‌شود.

- سازمان‌دهی مجدد و اصلاح ساختار بنگاه‌ها و در نتیجه بهبود مدیریت
- بهبود فن‌آوری تولید
- افزایش رقابت
- کاهش قیمت تمام‌شده خرده‌فروشی و در نتیجه

معین می‌کند.»

#### ۶) ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی توسط

##### مقام معظم رهبری

ابلاغ سیاست‌های کلی استراتژیک و بسیار مهم اصل ۴۴ قانون اساسی، بر اساس بند «یک» اصل ۱۱۰ قانون اساسی که تعیین سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، در حیطه اختیارات و وظایف رهبر انقلاب قرار داده، صورت گرفته است.

#### ۶-۱) سیاست‌های کلی

متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح زیر می‌باشد:

«با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳، «سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به منظور موارد زیر ابلاغ شده است:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی
- گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی
- ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فن‌آوری
- افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی
- افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی
- کاستن از بار مالی و مدیریت دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی
- افزایش سطح عمومی اشتغال
- تشویق افشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.»
- چارچوب فعالیت‌های دولت توسط موارد زیر مشخص می‌گردد. دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد.
- ۱) دولت موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج ساله چهارم (سالبانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.
- ۲) با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.

تبصره: سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های صدر اصل ۴۴، با توجه به حفظ حاکمیت دولت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، طبق قانون تعیین می‌شود.

با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور:

- ۱) تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت
- ۲) توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن در جهت رقابت کالاها در بازارهای بین‌المللی
- ۳) آماده‌سازی بنگاه‌ها جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرآیند تدریجی و هدفمند
- ۴) توسعه سرمایه انسانی دانش پایه و متخصص
- ۵) توسعه و ارتقای استانداردهای ملی و انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی
- ۶) جهت‌گیری خصوصی‌سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی و بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا. مطابق بند «۱» اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد.

#### ۶-۲) سیاست‌های کلی بخش تعاونی

- ۱) افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج ساله پنجم.

تبصره: اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول نیستند.

- ۳) سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است.
- ۴) کلیه صنایع و معادن بزرگ و مادر، به استثنای صناعی از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز و از این نوع و معادنی از جمله معادن نفت و گاز
- ۵) فعالیت‌های بازرگانی خارجی در چارچوب سیاست‌های تجاری و ارزی کشور.
- ۶) بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تعاونی سهام عام و شرکت‌های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون.
- ۷) در بخش بیمه.
- ۸) تأمین انرژی، شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات.
- ۹) کلیه امور پست و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی.
- ۱۰) راه و راه آهن.
- ۱۱) هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل دریایی).

۲) اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد.

۳) حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روش‌هایی از جمله تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی.

۴) رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه.

۵) تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقای سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور.

۶) حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش.

۷) اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوع و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها.

۸) توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها.

۹) انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونی‌های متعارف امکان تأسیس تعاونی‌های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم شود.

۱۰) حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضا.

۱۱) تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی.

#### ۳-۶) سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار

۱) تداوم اعمال حاکمیت عمومی دولت پس از ورود بخش‌های غیردولتی از طریق سیاست‌گذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت به‌ویژه در مورد اعمال موازین شرعی و قانونی در بانک‌های غیردولتی.

۲) جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی.

۳) جلوگیری از ایجاد انحصار، توسط بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات.

#### ۴-۶) محدودیت‌های واگذاری

واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی به

شرح ذیل مجاز است:

۱) بنگاه‌های دولتی که در زمینه معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) فعال هستند؛ به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز.

۲) بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی ج.ا.ا، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات.

۳) شرکت‌های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران.

۴) شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی.

۵) بنگاه‌های تأمین نیرو به استثنای شبکه‌های اصلی انتقال برق.

۶) بنگاه‌های پستی و مخابراتی به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه

پستی.

۷) صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا.

#### ۵-۶) الزامات واگذاری

۱) توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ.

۲) نظارت و پشتیبانی مراجع ذی‌ربط بعد از واگذاری برای تحقق اهداف واگذاری.

۳) استفاده از روش‌های معتبر و سالم واگذاری با تأکید بر بورس، تقویت تشکیلات واگذاری، برقراری جریان شفاف اطلاع‌رسانی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه، بهره‌گیری از عرضه تدریجی سهام شرکت‌های بزرگ در بورس به منظور دستیابی به قیمت پایه سهام.

۴) ذی‌نفع نبودن دست‌اندرکاران واگذاری و تصمیم‌گیرندگان دولتی در واگذاری‌ها.

۵) رعایت سیاست‌های کلی بخش تعاونی در واگذاری‌ها.



مناطق آزاد ایران اگرچه در ظاهر در رسته مناطق آزاد دولتی قرار می‌گیرند اما سیاست‌ها و برخوردهای عموماً انفعالی دولت در خصوص مناطق آزاد و وجود مجموعه قوانین و مقررات ناکارآمد، گونه‌ای جدید و بی‌سابقه از ساختارهای اداره مناطق آزاد در دنیا را تولید نموده است

## ۶-۶) روش واگذاری

- ۱) قیمت‌گذاری سهام از طریق بازار بورس انجام شود.
- ۲) فراخوان عمومی با اطلاع‌رسانی مناسب جهت ترغیب و تشویق عموم به مشارکت و جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی صورت پذیرد.
- ۳) جهت تضمین بازدهی مناسب سهام شرکت‌های مشمول واگذاری اصلاحات لازم در خصوص بازار، قیمت‌گذاری محصولات و مدیریت مناسب بر اساس قانون تجارت انجام گردد.
- ۴) واگذاری سهام شرکت‌های مشمول طرح در قالب شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های زیرمجموعه با کارشناسی همه‌جانبه صورت گیرد.
- ۵) به منظور اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری بنگاه‌های مشمول واگذاری با استفاده از ظرفیت‌های مدیریت کشور اقدامات لازم جهت جذب مدیران باتجربه، متخصص و کارآمد انجام پذیرد.
- ۶) فروش اقساطی حداکثر ۵ درصد از سهام شرکت‌های مشمول بند «ج» به مدیران و کارکنان شرکت‌های فوق مجاز است.
- ۷) با توجه به ابلاغ بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تغییر وظایف حاکمیتی، دولت موظف است نقش

جدید خود در سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی را تدوین و اجرا نماید.

۸) تخصیص درصدی از منابع واگذاری جهت حوزه‌های نوین با فن‌آوری پیشرفته در راستای وظایف حاکمیتی مجاز است.

## ۶-۷) نتایج واگذاری

- وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:
- ۱) ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی.
  - ۲) اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی.
  - ۳) ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته.
  - ۴) اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاه‌های واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم.

۵) مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف ۴۹ درصد به منظور توسعه اقتصادی مناطق محروم

۶) تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های دولتی با رعایت بند «الف» این سیاست‌ها.

## فصل دوم: آشنایی با مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران

۱) بررسی دلایل عدم موفقیت مناطق آزاد ایران

بررسی دلایل عدم موفقیت مناطق آزاد ایران به یک مطالعه دقیق و کارشناسانه نیاز دارد که از حوصله بحث خارج است اما در ادامه، موضوعاتی که به نوعی محورهای ناکامی مناطق آزاد ایران محسوب می‌شوند، عنوان می‌گردند.

### ۱-۱) بومی‌سازی مفاهیم بین‌المللی مناطق آزاد

فرآیند بومی‌سازی در کشور ما یک معضل بسیار پیچیده و البته بسیار فراگیر می‌باشد که دامنه عملکرد آن به ساختارهای سخت‌افزاری محدود نبوده و دامن‌گیر مفاهیم و ارزش‌های پذیرفته شده جهانی در مقوله نرم‌افزار و مغزافزار نیز شده است. در میان مظاهر سخت‌افزاری جامعه توانمند قرن بیستم و



متأسفانه یکی دیگر از مشکلاتی که امروزه مناطق آزاد ایران به شدت درگیر آن می‌باشند، عدم تعهد دولت در تأمین و تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز ایشان است. دقت نظر در جداول مقایسه‌ای شماره یک به تنهایی نشان‌دهنده وضعیت مناطق آزاد ایران در جایگاه رقابت با مناطق آزاد موفق دنیا است.

#### ۱-۵) جایگاه مبهم مناطق آزاد در اسناد توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران

متأسفانه عدم حصول توافق جمعی صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران حوزه مناطق آزاد در خصوص تعاریف اولیه و بنیادی، اکنون نیز در موضوع جایگاه مناطق آزاد و نقش ایشان در توسعه ملی تداوم یافته است. شاخصه بلندنظری و توقع واقعی از مناطق آزاد به میزان پتانسیل‌های بالقوه آنها، امروزه در اسناد توسعه‌ای کشور یک کمبود غیرقابل وصف محسوب می‌شود.

در یک جمله می‌توان علت کوتاه‌نظری در تعیین مطالبات توسعه‌ای مناطق آزاد کشورمان را در عملکرد گذشته مناطق جستجو کرد. در واقع برنامه‌ریزان بدون توجه به مشکلات و معضلات متعدد و محدودکننده مناطق آزاد که عملاً این مناطق را از تعریف بین‌المللی «مناطق آزاد» به «مناطق بسته» سوق داده است، سطح توقعات خود را در حد برداشت خود از توان کاذب فعلی مناطق استوار نموده‌اند.

#### ۲) ساختارهای اداره مناطق آزاد در دنیا

امروزه مناطق آزاد در دنیا با ساختارهای متفاوتی اداره می‌شوند که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل می‌باشند:

##### الف) ساختار دولتی

در این گونه مناطق دولت به صورت مستقیم اداره امور را به عهده دارد. گاهاً دپارتمان‌هایی در بدنه دولت ایجاد می‌گردند که عهده‌دار انجام وظایف می‌گردند. مناطق آزاد ایران از این دسته می‌باشند. در این گونه

آزاد در دنیا مهم‌ترین ابزار برای توسعه اقتصاد ملی و تعامل با اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند.

۱-۲) قانون ناکارآمد چگونگی اداره مناطق آزاد ایران در واقع تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد کشور را باید سرآغاز شکل‌گیری سایر عوامل عقب‌ماندگی و توسعه نیافتن مناطق آزاد ایران دانست. با مطالعه این قانون می‌توان فاصله عمیق فکری طراحان مناطق آزاد کشور را با مفاهیم بین‌المللی آن درک نمود. تعاریف گنگ و نامفهوم مأموریت‌های مناطق آزاد، نقش مبهم و بسیار کم‌رنگ دولت در قبال مناطق آزاد، تلاش برای تسری مفاد قانون اساسی ایران به‌ویژه اصل ۸۱ در ممنوعیت اعطای حق مالکیت معنوی به اتباع خارجی، و نیز گنجانیدن موضوع احتمال مصادره سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در مناطق به نفع عموم مردم در ماده ۲۱ از مهم‌ترین ابعاد بازدارنده این قانون شمرده می‌شوند.

#### ۱-۳) اختلاف عمیق فکری دولت‌های سه‌گانه در برخورد با مناطق آزاد

تغییرات گسترده رویکرد دولت‌های حاکم در ایران در مواجهه با مفهوم منطقه آزاد نیز خود به عاملی تأثیرگذار در ناکارآمدی این مناطق تبدیل شده است. در واقع باید اذعان نمود تفکرات دولت‌های سه‌گانه کشور از زمان تأسیس مناطق آزاد در این خصوص، هیچ نقطه مشترکی ندارند. آشفتگی فکری در خصوص مفاهیم بنیادی مناطق آزاد در میان دولتمردان، به صورت کاملاً آشکار در فرآیند اداره مناطق، توقعات بی‌جا از آنها همچون توسعه منطقه‌ای و محدودیت‌های گسترده در خصوص تصمیم‌گیری و پذیرش سرمایه خودنمایی می‌کند.

#### ۱-۴) عدم تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز مناطق آزاد در بدو تأسیس توسط دولت

### تعاریف گنگ و نامفهوم

مأموریت‌های مناطق آزاد، نقش مبهم و بسیار کم‌رنگ دولت در قبال مناطق آزاد، تلاش برای تسری مفاد قانون اساسی ایران به‌ویژه اصل ۸۱ در ممنوعیت اعطای حق مالکیت معنوی به اتباع خارجی، و نیز گنجانیدن موضوع احتمال مصادره سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در مناطق به نفع عموم مردم در ماده ۲۱ از مهم‌ترین ابعاد بازدارنده این قانون شمرده می‌شوند



بیست و یکم که با طی فرآیند بومی‌سازی از ابزاری قدرتمند در خصوص ایفای نقش سازندگی و توسعه کشور به ادواتی عموماً بی‌تأثیر و گاهاً ضدتوسعه‌ای تبدیل شده‌اند که از آن جمله باید به کامپیوتر (بخوانید رایانه)، موبایل (بخوانید تلفن همراه)، ... و حتی لاک غلط‌گیر اشاره نمود.

فرآیند بومی‌سازی نرم‌افزاری پس از نابود کردن ارزش‌ها و تأثیرات بی‌نظیر مفاهیمی همچون سیستم مدیریت کیفیت ISO 9000، سیستم اطلاعات مدیریت MIS، و بسیاری موضوعات دیگر از این دست، امروزه در حال حل کردن و نابودی مفاهیم به‌روزی چون برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردی)، چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و ... می‌باشد. مفاهیم مناطق آزاد نیز در این میان بی‌نصیب نمانده‌اند.

انحراف در تعاریف پایه و فلسفه تأسیس مناطق آزاد ایران از همان ابتدای امر قابل مشاهده است. اصولاً در تعاریف اولیه مناطق آزاد علی‌رغم مکان‌یابی سوق‌الجیشی مناسب، به دلیل بعضاً واقع شدن در محروم‌ترین نقاط کشور، عملاً ابزاری برای توسعه منطقه‌ای در نظر گرفته شدند، در حالی که مناطق

#### جدول شماره یک - مقایسه زیرساخت‌های مناطق آزاد در بدو تأسیس

ردیف	نام منطقه	سال تأسیس	وضعیت سرمایه‌گذاری در سال آغاز
۱	چابهار	۱۹۹۴	شروع بدون سرمایه‌گذاری اولیه دولتی
۲	قشم	۱۹۹۴	شروع بدون سرمایه‌گذاری اولیه دولتی
۳	کیش	۱۹۹۴	شروع بدون سرمایه‌گذاری اولیه دولتی
۴	شیامین	۱۹۸۰	۴.۵ میلیارد دلار دولتی
۵	های نان	۱۹۸۸	۲.۵ میلیارد دلار دولت - ۸۴۰ میلیون دلار بخش خصوصی
۶	جبل علی	۱۹۸۵	۲.۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اولیه که به ۱۳.۵ میلیارد دلار افزایش یافت

خبر اقتصادی

## فولادگر: کمتر از ۱۰ درصد تصدی‌گری‌ها به بخش خصوصی واقعی تعلق گرفت



رئیس کمیسیون ویژه پیگیری اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی گفت: از مجموع واگذاری‌ها تاکنون کمتر از ۱۰ درصد به بخش خصوصی واقعی تعلق گرفته است.

«حمیدرضا فولادگر» در نشست صبحانه کاری هیئت نمایندگان اتاق ایران با اعضای کمیسیون ویژه پیگیری اصل ۴۴ قانون اساسی که در محل این اتاق برگزار شد، مجموع واگذاری‌ها را ۵۰ هزار میلیارد تومان عنوان و تصریح کرد: از مجموع واگذاری‌ها ۲۵ هزار میلیارد تومان به صورت سهام عدالت و حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان در دیون بوده است.

وی پیش‌بینی کرد: مجموع واگذاری‌ها بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان باشد که امسال به پایان برسد.

فولادگر، همچنین درباره کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین و خرید ۵۰ درصد به‌علاوه یک سهام شرکت مخابرات توسط آنها، گفت: این گروه تحت عنوان بخش خصوصی به خرید سهام اقدام کردند.

وی تصریح کرد: موضوع اساسی در واگذاری‌ها آن است که میدان برای حضور بخش خصوصی و رسیدن به افق چشم‌انداز فراهم شود.

رئیس کمیسیون ویژه پیگیری اصل ۴۴ قانون اساسی، واگذاری‌ها را بخشی از سیاست اصل ۴۴ قانون اساسی عنوان کرد.

اعضای اتاق ایران در این نشست انتقاداتی در خصوص واگذاری سهام مخابرات به این کنسرسیوم (بنیاد تعاون سپاه) که از آن به عنوان شبه‌دولتی نام بردند، داشتند و در این رابطه ابراز نگرانی کردند.

فولادگر در خصوص نقش شبه‌دولتی‌ها در واگذاری‌ها، گفت: حضور آنها در واگذاری‌ها به معنای گردش نقدینگی موجود است و پول جدید نمی‌آورند. □

تدوین سیاست‌های راهبردی منطقه آزاد از جمله محدودیت‌های پذیرش سرمایه و سرمایه‌گذار، انتقال سود، سرمایه و ارز، تعرفه‌ها و سرویس‌های خدماتی و سایر موارد از این دست نخواهند داشت.

### د) ساختار خصوصی

این مناطق پس از صدور مجوز توسط حکومت‌های مرکزی، تأسیس و در قوانین کلان تابع تصمیمات قوه مقننه کشور می‌باشند، ولی در تعیین و تدوین سازوکارهای اجرایی و سیاست‌گذاری عملکرد خود در درآمدت مستقل می‌باشند. مناطق آزاد مکزیک و ترکیه نمونه‌های این ساختار می‌باشند.

در کشور مکزیک هم اکنون بیش از ۱۰۷ منطقه آزاد وجود دارد که به صورت خصوصی اداره می‌شوند. برخی از این مناطق محدود به یک کارخانه می‌باشند که در محدوده مساحت خود از مزایای ویژه مناطق آزاد بهره می‌برند.

### ه) ساختار مشارکتی

در این موارد دولت‌های مؤسس بخشی از سهام مناطق آزاد خود را در قالب‌های متفاوتی همچون خصوصی‌سازی به سرمایه‌گذاران عموماً حقوقی واگذار می‌نمایند. مناطق آزاد هند نمونه‌های ساختار مشارکتی می‌باشند.

در این گونه موارد حق تنظیم قوانین چگونگی اداره منطقه آزاد برای کشور مؤسس محفوظ خواهد ماند. در عین حال این مناطق در تدوین برنامه‌های راهبردی و تعریف برنامه‌های عملیاتی و ایجاد روش‌های کاری خود مستقل عمل می‌نمایند.

فعالیت‌های مناطق آزاد با ساختار مشارکتی عموماً در راستای یک محور متمرکز می‌باشد. بیشتر مناطق آزاد در هند به صورت پارک‌های رشد و فن‌آوری و محوریت صنایع الکترونیک و کامپیوتر و به‌ویژه نرم‌افزار و با مشارکت شرکت‌های دولتی و خصوصی و تعاونی هندی به‌وجود آمده‌اند.

### ۳) ماهیت ساختاری مناطق آزاد ایران

در ایران طبق تکلیف مقرر در تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) و در سال پایانی این قانون سه منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار پا به عرصه وجود گذاشتند.

با شکل‌گیری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد در تابستان ۱۳۷۱ فرآیند تصویب «قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران» در شهریورماه ۱۳۷۲ پشت سر گذاشته شد. هیئت وزیران به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی اختیارات خود ناشی از قانون فوق‌الذکر را به شورای عالی مناطق

ساختارها تدوین قوانین مربوطه به عهده قوه مقننه کشور مربوطه می‌باشد.

### ب) حاکمیت دولت‌های محلی

در کشورهایی که به صورت فدرال و از اتحاد چندین ایالت یا حکومت محلی تشکیل می‌شوند، نوعی از ساختار اداره منطقه آزاد جاری است که در آن دولت محلی ضمن تبعیت از کلیات مصوب در نظام فدرال، خود به تنهایی اقدام به ایجاد و اداره منطقه آزاد می‌نماید. مناطق آزاد مستقر در کشور امارات متحده عربی نمونه بارز این گونه مناطق هستند. دولت‌های محلی که زیر نظر امیران امارت‌های کشور امارات فعال می‌باشند، سیاست‌گذاری و هدایت مناطق آزاد را به عهده دارند. در این ساختارها فرمان‌های امیر به عنوان قانون ملاک عمل قرار گرفته و سیاست‌های کلان نیز توسط امیر دیکته می‌شود.

### ج) کنسرسیوم

نوع دیگری از ساختارهای اداره مناطق آزاد، تشکیل کنسرسیوم می‌باشد. در این موارد دولت مؤسس بخش قابل توجهی از سهام خود را به اعضای کنسرسیوم منتقل می‌نماید. انتخاب اعضا به روش‌های متفاوت از جمله فراخوان برگزاری مزایده صورت می‌پذیرد. در این ساختار گاه دولت مؤسس خود ترکیب کنسرسیوم را معین می‌نماید.

این ترکیب می‌تواند شامل سرمایه‌گذاران دولتی از کشور مؤسس، سرمایه‌گذاران خصوصی داخلی یا خارجی و با شخصیت‌های مستقل حقیقی و حقوقی باشد. کنسرسیوم اگر چه پس از تشکیل هیئت مدیره جدید، بعضاً سازوکارها و روش‌های انجام امور را متناسب با اهداف خود تغییر خواهد داد، اما در قوانین کلی تابع قوه مقننه کشور مؤسس خواهد بود. منطقه آزاد جبل علی در دبی نمونه مناطق آزاد از این دست می‌باشد.

اگر چه این منطقه با سرمایه‌گذاری دولت محلی و تحت سیاست‌های راهبردی امیر دبی تأسیس شده است اما در سال‌های بعد اداره آن به کنسرسیومی از نهادهای دولتی و شرکت‌های قدرتمند اماراتی واگذار شده است.

آنچه توضیح آن در این مقطع لازم است موضوع میزان تابعیت کنسرسیوم از قوانین کشور مؤسس می‌باشد. همانطور که اشاره شد، کنسرسیوم در قوانین کلی تابع کشور مؤسس خواهد بود. این قوانین عموماً شامل مقررات گمرکی، اتباع خارجی، معافیت‌های مالیاتی و دارایی و امنیت ملی می‌باشد.

بدیهی است در این گونه ساختارها دولت‌های مؤسس و نهادهای قانون‌گذاری دخالتی در خصوص

حقیقی و ایده آل ایشان است. به بیان دیگر عدم وجود توافق جمعی در تعریف فلسفه تأسیس مناطق آزاد کشور و توقعات بی‌جای مسئولان محلی و ملی از مناطق، بسیاری از وظایف حاکمیتی دولتی را بر دوش مناطق تحمیل نموده است. برای توضیح بیشتر به متن «قانون مدیریت خدمات کشوری» اشاره می‌نماییم.

□ ماده ۱ - امور حاکمیتی:

آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود، از قبیل:

(الف) سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.

(ب) برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد.

(ج) ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم.

(د) فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری.

(ه) قانون‌گذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضایی.

(و) حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی

زیرساخت‌های مناطق آزاد نسبت به افتتاح آنها اقدام نمود و سپس موضوع کسب درآمد و توسعه و تکمیل زیرساخت‌های مناطق را به عهده خود ایشان گذاشت. حتی در برهه‌ای از زمان نیز دبیرخانه شورای عالی اقدام به سهم‌خواهی از محل منابع درآمدی مناطق نموده است. آنچه اکنون پس از ۱۷ سال از تأسیس مناطق آزاد ایران مشهود است عدم تکمیل زیرساخت‌ها به عنوان مهم‌ترین ابزار حضور قدرتمند و رقابتی مناطق آزاد ایران در عرصه بین‌المللی و قطع محل‌های پیش‌بینی‌شده درآمدی مناطق می‌باشد که روند فعالیت‌های عمرانی از محل منابع درآمدی را به پایین‌ترین سطح خود رسانده است.

(۴) علی‌رغم تلاش قانون‌گذار در ماده ۵ قانون اداره مناطق آزاد ایران برای تصریح عدم شمول دامنه قوانین شرکت‌های دولتی در مناطق آزاد، در دیگر مفاد قانون مذکور به دفعات شاهد موادی هستیم که مناطق آزاد را نه تنها در محدودیت‌های شرکت‌های دولتی قرار داده بلکه گاه‌گاه مشکلات مضاعفی را نیز ایجاد نموده است. به عنوان مثال می‌توان تسری قانون کار ایران در مناطق آزاد را ذکر نمود.

(۵) یکی دیگر از اشکالاتی که در حوزه وظایف ساختاری مناطق آزاد قابل مشاهده است اختلاط بیش از حد وظایف حاکمیتی و فرمانطقه‌ای در فعالیت‌های

آزاد تفویض نمود. با تشکیل شورای عالی مناطق آزاد عمده مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی قانون یاد شده، در طول سال ۷۳ تهیه و به تصویب این شورا رسید. از آنجا که قانون محاسبات عمومی کشور تصریح دارد: «سازمان‌ها، مؤسسات، نهادها و شرکت‌هایی که بیش از ۵۰ درصد سهام آنها متعلق به دولت باشند، مؤسسات دولتی محسوب می‌گردند.» و ماده ۵ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد ایران نیز عنوان می‌نماید: «هر منطقه (منظور مناطق آزاد ایران است)، به صورت شخصیت حقوقی مستقل تشکیل می‌گردد و سرمایه آن متعلق به دولت است، اداره می‌شود.» لذا می‌توان مناطق آزاد ایران را در زمره ساختارهای دولتی به حساب آورد اگرچه در ظاهر موضوع شکل‌گیری مناطق آزاد ایران در قالب ساختارهای دولتی می‌گنجد اما اشکالاتی نیز در این میان مترتب است که ماهیت ساختاری مناطق آزاد ایران را تحت سؤال قرار می‌دهد. از جمله اشکالات وارده می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

(۱) بخش دوم ماده ۵ قانون اداره مناطق آزاد ایران عنوان می‌دارد «این شرکت‌ها و شرکت‌های وابسته از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی بوده و منحصرأ بر اساس این قانون اداره خواهند شد.» بنابر این بر اساس این ماده سازمان‌های مناطق آزاد از دامنه شمول قوانین و مقررات دولتی خارج می‌باشند.

(۲) اگر چه ماده ۵ تصریح به شخصیت حقوقی مستقل مناطق آزاد دارد اما هیئت وزیران بر اساس تصویب‌نامه «۱۶۶۳۲/ت ۳۰ ه» مورخ ۱۳۷۳/۲/۱۳ اختیارات خود را به وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد تفویض نموده است. در حال حاضر نیز شورای عالی مناطق آزاد در فرآیند تجمیع شوراها عملاً حذف شده است و دبیر این شورا نیز طی حکمی از سوی ریاست محترم جمهوری به عنوان مشاور رئیس‌جمهور در امور مناطق آزاد منصوب شده‌اند.

بدین ترتیب با حذف تدریجی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد فرآیندهای تصمیم‌گیری در حوزه مناطق آزاد بلا تکلیف و پیچیده‌تر از سابق خواهد شد. همچنین موضوع بازنگری قوانین و مقررات مناطق آزاد نیز که مهم‌ترین مانع توسعه‌ای مناطق می‌باشند در پرده‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت.

(۳) اگر چه سیستم بودجه‌ریزی به سبک تبادل موافقت‌نامه و تأیید توسط دبیرخانه شورای عالی در حال حاضر جاری می‌باشد، اما مناطق آزاد علی‌رغم منتسب بودن به دولت، سهمی از بودجه جاری و عمومی دولت ندارند. همانطور که سابقاً نیز ذکر گردید دولت بدون قبول هیچگونه تعهدی در زمینه تکمیل



**مناطق آزاد ایران عملاً به عنوان ابزاری برای توسعه منطقه‌ای در نظر گرفته شدند، در حالی که مناطق آزاد در دنیا مهم‌ترین ابزار برای توسعه اقتصاد ملی و تعامل با اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند**



و دفاع ملی.

ز) ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی، اسلامی.

ح) اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی.

ط) حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی.

ی) تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی و مدیریت فضای فرکانس کشور.

ک) ارتقای بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران‌های عمومی.

ماده ۹ - امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی:

آن دسته از وظایفی است که منافع اجتماعی حاصل از آنها نسبت به منافع فردی برتری دارد و موجب بهبود وضعیت زندگی افراد می‌گردد، از قبیل: آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، علوم و تحقیقات، درمان، توانبخشی، تربیت بدنی و ورزش، اطلاعات و

ارتباطات عمومی و امور فرهنگی، هنری و تبلیغات اسلامی.

ماده ۱۰ - امور زیربنایی:

آن دسته از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است که موجب تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و تولیدی کشور می‌گردد، از قبیل: طرح‌های آب و خاک، شبکه‌های انرژی، ارتباطات و راه.

ماده ۱۱ - امور اقتصادی:

آن دسته از اموری است که دولت، متصدی اداره و بهره‌برداری از اموال جامعه است و مانند اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق خصوصی عمل می‌کند مانند: تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل‌ونقل، بازرگانی، مسکن و بهره‌برداری از طرح‌های مندرج در ماده (۱۰) این قانون.

بنابر این مطابق مفاد فوق هرگونه وظایف حاکمیتی در محدوده مناطق آزاد در دامنه شمول وظایف دولت می‌باشد. البته ماده ۳۵ قانون برنامه چهارم توسعه نیز به نوعی بر لزوم ارائه خدمات دولتی در محدوده مناطق

آزاد همچون سایر نقاط کشور تأکید می‌نماید. اما نکته مهم دیگری که از بررسی امور حاکمیتی به دست می‌آید عدم امکان انتقال این امور از حوزه تصدی دولت به بخش خصوصی است که در بخش بعدی به آن اشاره خواهد شد.

در مجموع مناطق آزاد ایران اگرچه در ظاهر در رسته مناطق آزاد دولتی قرار می‌گیرند اما سیاست‌ها و برخوردهای عموماً آنفعالی دولت در خصوص مناطق آزاد و وجود مجموعه قوانین و مقررات ناکارآمد، گونه‌ای جدید و بی‌سابقه از ساختارهای اداره مناطق آزاد در دنیا را تولید نموده است.

آنچه امروزه شاهد آن هستیم مناطقی عقب‌افتاده (در مقایسه با سایر مناطق منطقه) و بلا تکلیف می‌باشند که با تصویب یک قانون مشمول قوانین شرکت‌های دولتی نبوده و با ده‌ها مصوبه دیگر از هر شرکت دولتی دیگری مکلف‌تر و وابسته‌تر به دولت و بانک مرکزی و ... می‌باشند. □

ادامه دارد

